

ماده تاریخ‌های مربوط به کتاب و جریده در

بدیع‌التواریخ فسایی

احسان‌اله شکراللهی طالقانی

«تاریخ راقم سمرقندی» است که به «تاریخ کثیره» نیز معروف است. برخی دیگر از علاقه‌مندان به تاریخ و ادب، جمع‌آوری ماده تاریخ‌ها را وجهه همت خود ساخته‌اند و صرف نظر از موضوع و محدودیت تاریخی، ماده تاریخ‌هایی را که به دست آورده‌اند در مجموعه‌ای گرد کرده‌اند. نمونه برجسته این گونه آثار «مواد التواریخ» تألیف حاج حسین نخجوانی است که جنگی از ماده تاریخ‌هاست با تقسیم‌بندی موضوعی، و نمونه دیگر آن، که در آن به شرح انواع و اقسام ماده تاریخ و تمهیه پرداخته شده، اثر ارزنده محقق معاصر مهدی صدری است با عنوان «حساب جمل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی».

اما موضوع این نوشته، بخشی از اثری دیگر است در این زمینه با عنوان «بدیع‌التواریخ» اثر محمودخان بن زین‌العابدین نعمت‌فسایی شیرازی از شعرای ماده تاریخ ساز در اواخر قرن سیزده و اوایل قرن چهارده هجری قمری، که دو نسخه ناقص و کامل از این اثر به شماره‌های ۱۳۷۰۱ و ۴۶۷۶ در کتابخانه مجلس موجود است، و به همت محقق پرتلاش آقای بهروز ایمانی در دست تصحیح است.

معرفی شایسته این اثر را به قلم ایشان وامی‌گذارم و در این نوشته نمونه‌های ماده تاریخ سروده فسایی در خصوص کتاب و جریده را گلچین نموده، در معرض نظر خوانندگان این مجیزه می‌گذارم؛ با اضافه کردن این توضیح که آغاز یا انجام تألیف و طبع کتاب و جریده از نظر فسایی از چنان اهمیتی برخوردار بوده که برای موارد متعددی از آن ماده تاریخ ساخته و اتفاقات مربوط به کتاب و جریده را در حد جلوس پادشاهان و ساخت بناهای بزرگ و تولد و وفات انسان‌ها حائز

«حساب جمل در پهنه بیکرانه ادب فارسی نقشی بسزا در ثبت وقایع تاریخ داشته و در حقیقت پلی بوده است. بین تاریخ و ادب فارسی»^۱

حساب جمل یا «ماده تاریخ، یعنی مقیدکردن ارقام فرار و اشتباه‌پذیر ریاضی به حروف دری و بیان سال‌های تاریخی در قالب کلمات و عبارات و جمل به منظور ضبط صحیح تاریخ وقایع مختلف اعم از تولد، مرگ، ازدواج، فتح، شکست، جلوس و تأسیس بناهای مذهبی یا عام‌المنفعه است، با حفظ تناسب کلمات و عبارات با اصل واقعه [که] یکی از مظاهر تجلی فکری و نمودارهای ذوق سلیم و زیباپرست ایرانی بوده و این کار از حدود قرن چهارم هجری قمری آغاز شده است و تا امروز، هرچند بسیار رنگ پریده و نفس بریده، ادامه دارد»^۲.

ماده تاریخ در اصطلاح فنون ادبی، واژه یا واژه‌هایی است که ارزش عددی آن‌ها براساس حروف ابجد تاریخ خاصی را بیان می‌کند. ماده تاریخ برای به یاد سپردن تاریخ یک حادثه نیک یا بد روزگار یا برای افتتاح بناها ساخته می‌شود. بنابراین اساس ساخت ماده تاریخ، حروف ابجد است.^۳

برخی تاریخ‌نویسان در ثبت وقایع تاریخی از حساب جمل سود جسته‌اند و در کنار شرح ماوقع با ذوق و سلیقه‌ای خاص ماده تاریخ‌هایی را هم به نوشته خود افزوده‌اند. از جمله منابعی که بدین صورت پدید آمده است «تاریخ ترکستان» است که در سال ۱۰۵۴ تألیف گردیده و دربرگیرنده ماده تاریخ‌هایی از سال ولادت تیمور (۷۳۶ق.) تا ماده تاریخ‌های زمان مولف (۱۰۵۴ق) است. اثر دیگر از این دست کتاب

اهمیت دانسته است، و این برای همه اهالی کتاب می تواند جذاب و جالب باشد؛ ضمن آن که گوشه‌هایی از تاریخ تاریک علم در ایران با کمک چنین نشانه‌های مستندی می تواند روشن و قابل رویت شود. از جمله واژگان حوزه کتاب که در این ماده تاریخ‌ها به چشم می خورد، این موارد قابل شمارش است: نظم، دفتر، باب، فصل، سطر، فهرست، عنوان، رساله، صحیفه، اوراق، دیباچه، عبارات، مضامین، سخن، صفحه، کتاب، خط، الفاظ، معانی، شاعران، سخنندان، زبان آور، مؤلف، شعر، طبع، علم، دانش، جهل، حکمت، فصاحت، فضل، ادب، لفظ، معنی، روزنامه و جریده.

این شما و این ماده تاریخ‌های نعمت فسایی در مدح و معرفی آثار مکتوب و مطبوع اوایل قرن چهاردهم.

تاریخ طبع کتاب «گلستان»

به جان این کتاب گلستان طلب کن
 که هر فصل آن بوستانی است رنگین
 خط جان فزایش بود دلربا تر
 زر خساره شاهدهی شوخ و شیرین
 به نقش و نگار دلارای باشد
 چو ارژنگ مانی و بتخانه چین
 به تاریخ آن نعمت این گونه گفتا
 «بیازین گلستان جهان گلستان بین»
 (۱۳۲۳)

تاریخ طبع کتاب «عشق و عفت»

مرحوم ذکاءالملک المتخلص به «فروغی»

اگر دفتر عشق و عفت بخوانی
 ذکاء و خرد یابی و علم و حکمت
 شمیمی ز بستان نظم بدیعیش
 کند تربیت نونهال مودت
 همه لفظ آن معنی جود و احسان
 همه حزب آن آیت لطف و رحمت
 رساله بیان و صحیفه معانی
 ز اوراق و دیباچه اش یافت رفعت
 کنایات یابی، اشارات بینی
 زهر صفحه آن کتاب فضیلت
 فروغی زمصباح نثر فصیحش

تاریخ اتمام کتاب «بهشت جاودانی»

بخوان این دفتر نغز بهشت جاودانی را
 که در دور جهان از سرگیری زندگانی را
 مؤلف با خط دلکش نوشته شعراستادان
 که دارد عرضه بر احباب خوش کلک و بنانی را
 بسی نازم برندان سخنندان زبان آور
 که خوش بی پرده می گویند اسرار نهانی را
 ببین کان شاعران پاک طبع قادر ماهر
 به هم چون بسته اند از ذوق الفاظ و معانی را
 پی تاریخ آن دفتر زروی شوق نعمت گفت
 «بجان قومی بجویند این بهشت جاودانی را»
 (۱۳۲۱)

تاریخ طبع کتاب «چارمینو»

بدین چارمینو بنازیم الحق
 که خلد برین نیستش هم ترازو
 کند همسری در طراوت به جنت
 زند در نصارت به فردوس پهلو
 چو شد طبع این دفتر علم و دانش
 به تحسینش آواز آمد زهرسو
 کنند ار به اشعار او موشکافی
 نیابند نقص اندر آن یک سرمو
 کنون نعمت از بهر تاریخ گفتا
 «بهشت برینم بود چارمینو»
 (۱۳۲۱)

بود روشنی بخش بزم محبت
 بهر باب آن فصلی از فضل و دانش
 بهر سطر آن شطری از رحم و رأفت
 ز فهرستش آید بلی نور بینش
 ز عنوانش افتد به جان نار غیرت
 عبارات نغز و مضامین نابش
 عروس سخن را بیفزود زینت
 به تاریخ آن کلک نعمت رقم زد
 «وفا و صفا جزوی از عشق و عفت»
 (۱۳۲۴)

تاریخ آغاز کتاب «ژاله نامه»

نازم به ژاله نامه کز چشمه سار حکمت

مارا بر آتش جهل پیوسته آب ریزد

تاریخ آن رساله نعمت ز شوق گفتا

«زین ژاله نامه الحق دریای علم خیزد»

(۱۳۳۱)

ایضاً

این گنج زر است دولتی بی پایان

و اندر بر داناست به از ملک جهان

نعمت چه نکو برای تاریخش گفت

«فضل و ادب از گنج زر آموزای جان»

(۱۳۳۰)

تاریخ انجام کتاب «ژاله نامه»

ژاله نامه ابر فیض و رحمت است

که شود سیراب کشت علم از آن

کلک نعمت بهر تاریخش نگاشت

«ژاله نامه بحر جود و فضل دان»

(۱۳۳۳)

تاریخ طبع جریده «ایران نو»

سزد گر بنازم بایران نو

که در لفظ و معنی است الحق مزید

بر ارباب دانش مبرهن بود

مزایای این روزنامه سعید

به تاریخ آن کلک نعمت نگاشت

«ز ایران نو گشت دوران جدید»

(۱۳۲۷)

تاریخ طبع کتاب «گنج زر»

دفتر گنج زر بخوان کالحق

در فصاحت ز سبعه برده گرد

روشنی بخش گشت همچون برق

«گنج زردان چو ملک کیخسرو»

(۱۳۳۰)

تاریخ طبع جریده «شرق»

پرتو نور شرق در آفاق

گفت نعمت ز بهر تاریخش

گفت نعمت برای تاریخش

«مهر سرزد همی ز مطلع شرق»

(۱۳۲۷)

تاریخ طبع جریده «استقلال ایران»

نامی استقلال ایران

نمود آگه ز اوضاع جهانم

ز تحسین مضامین بدیعش

دگر عاجز بود کلک و بنام

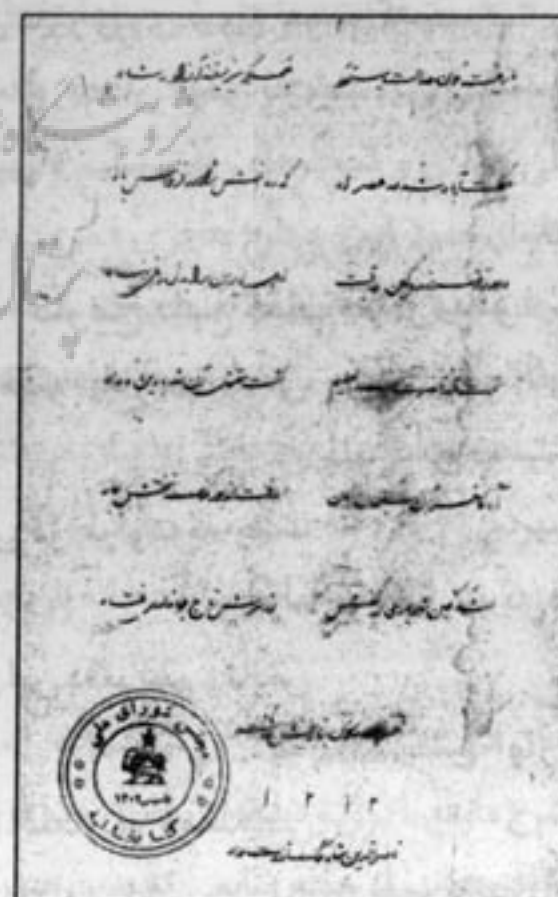
ز تمجید عبارات فصیحش

بسی قاصر بود نطق و بیانم

پی تاریخ آن نعمت بگفتا

«از استقلال ایران شادمانم»

(۱۳۲۸)



پی نوشت ها:

۱. مهدی صدیقی، حساب جمل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸، ص. ۳.

۲. تقریظ عبدالحسین نوایی بر اثر فوق ص. ب.

۳. فرهنگنامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی ۲): اصطلاحات و موضوعات. مضامین ادب فارسی. به سرپرستی حسن انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱۷.